



 	تیپ ویژه شهدا
	

وضعیت جغرافیایی مناطق کردنشین و تفاوت جنگ ضدشورش‌گری با جنگ منظم سبب شد محمد بروجردی در سال ۱۳۶۱ تیپ ویژه شهدا را برای عملیات در منطقه قرارگاه حمزه سیدالشهدا سازمان‌دهی نماید. فرمانده این تیپ در ابتدا ناصر کاظمی بود و بعد از وی محمدعلی گنجی‌زاده به فرماندهی آن منصوب شد؛ سپس، محمود کاوه به فرماندهی این تیپ برگزیده شد.

تیپ ویژه شهدا در ۲۵ کیلومتری شمال مه‌باد استقرار داشت و در طول مدت جنگ ضدشورش‌گری در مناطق کردنشین، عملیات‌های متعددی برای آزادسازی جاده‌های مواصلاتی، مناطق بینابینی و تأمین مرز انجام داد. این تیپ

پس از بهبود وضعیت امنیتی مناطق کردنشین، از عملیات بدر تا پایان جنگ در جبهه‌های جنگ علیه ارتش متجاوز عراق وارد عمل شد. بعد از شهادت محمود کاوه در عملیات کربلای ۲، فرماندهی تیپ به جانشین وی، قدرت‌الله منصوری رسید که وی تا پایان جنگ فرماندهی این یگان را بر عهده داشت.

 	تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی
	

تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی به منظور بهره‌گیری از نیروهای ویژه و آموزش دیده برای رزم در مناطق کردنشین، در سال ۱۳۶۲ تشکیل شد. بعد از انتصاب چند فرمانده، اکبر آقابابایی –که قبلاً مسئولیت واحد طرح و عملیات سپاه ناحیه کردستان را بر عهده داشت– به فرماندهی این تیپ منصوب شد.

در مدت فرماندهی وی، تیپ ۱۱۰ عملیات‌های متعددی برای آزادسازی جاده‌ها و مناطق بینابینی انجام داد و در تأمین و کنترل مرز نقش مؤثری ایفا نمود. همچنین، این تیپ از عملیات والفجر ۹ در نبردهای منظم علیه ارتش متجاوز عراق شرکت کرد.
پادگان ثابت تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی در ۱۵ کیلومتری شرق مه‌باد و در کنار جاده منتهی به میاندوآب قرار داشت.

 	تیپ ۳ مه‌باد
	

پادگان تیپ ۳ لشکر ۶۴ ارومیه در جنوب شهر مه‌باد قرار دارد. گروه‌های ضدانقلاب که در صدد تجزیه مناطق کردنشین بودند، وجود این تیپ را مانع از دست‌یابی به اهداف خود می‌دانستند. آنها در توطئه‌ای از قبل طراحی شده و به کمک عناصر نفوذی



 	مه‌باد
	

شهرستان مه‌باد از شمال به میاندوآب، از شرق و جنوب به بوکان، از جنوب غربی به سردشت و از غرب به پیرانشهر و نقده محدود می‌شود. وسعت آن ۲۵۹۲ کیلومتر مربع می‌باشد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۲۰۱۰۴۹ نفر برآورد شده است.

شهر مه‌باد در ۱۲۰ کیلومتری جنوب ارومیه واقع شده است. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۳۴۰ متر است. نام این شهر در ابتدا ساوجبلاغ (چشمه سرد) بود و از سال ۱۳۱۴ به مه‌باد تغییر یافت. در این شهر آثار باستانی بسیاری از جمله نقوش صخره‌ای هنجیران، گوردخمه فخری‌گاه، شهر زور، شهر ویران و مسجد جامع وجود دارد. دژ قلات شاه، سد مه‌باد، غارهای سهولان، فقرقا، رادکاد و دریاچه نیز از جمله مناظر دیدنی این شهر است.

ابتدا با توطئه‌ای در ۲۹/۱۱/۱۳۵۷ پادگان تیپ ۳ مه‌باد را اشغال و با غارت سلاح‌ها و مهمات آن، طرفداران خود را مسلح کردند و در سطح وسیعی به ایجاد ناامنی در منطقه پرداختند.

 	شهید ماموستا عبدالکریم شهریکندی
	

عبدالکریم مصطفی پورآذر معروف به ماموستا شهریکندی در سال ۱۳۱۵ در خانواده‌ای روحانی در روستای شهریکند بوکان متولد شد. او ابتدا از محضر پدر و سپس سایر روحانیون منطقه، علوم و معارف دینی را فرا گرت. شهریکندی پس از مدتی به امامت جماعت مسجد مولوی مه‌باد منصوب شد و هم‌زمان به استخدام آموزش و پرورش مه‌باد درآمد.

در جریان انقلاب اسلامی همراه با سایر روحانیون مه‌باد، مردم را به مبارزه علیه رژیم شاه تشویق می‌کرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز وی در بحرانی که گروه‌های تجزیه‌طلب در مناطق کردنشین به وجود آوردند، همواره مردم را به حفظ وحدت ملی و تبعیت از رهبری امام خمینی دعوت می‌کرد.

ماموستا عبدالکریم شهریکندی در ۱/۱۲/۱۳۶۱ بعد از اقامه نماز ظهر در مسجد مولوی، به دست عناصر گروهک کمونیستی کومه‌له به شهادت رسید.

 	شهید محمد امین احمدی
	

محمدامین احمدی در سال ۱۳۰۴ در روستای حاجی مامیان منطقه منگور مه‌باد به دنیا آمد. او تا پنجم ابتدایی تحصیل کرد و سپس به کشاورزی پرداخت. در سال ۱۳۴۲ به دلیل مخالفت با رژیم پهلوی، از طرف ساواک مورد اذیت قرار گرفت و به ناچار به عراق مهاجرت کرد.

محمدامین احمدی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران بازگشت و در مخالفت با اقدامات شرارت‌آمیز گروه‌های تجزیه‌طلب به دست اعضای حزب دمکرات دستگیر و زندانی شد. در ۲۰/۱/۱۳۶۰ از زندان حزب آزاد گردید. پس از آن با سپاه پاسداران برای سرکوب گروه‌های ضدانقلاب همکاری کرد. محمدامین احمدی بعد از مدتی فرمانده عشایر ایل منگور شد و همگام با نیروهای سپاه، ارتش و ژاندارمری برای برقراری امنیت در منطقه مه‌باد تلاش زیادی کرد. وی سرانجام در ۶/۶/۱۳۶۱ هنگام درگیری با شورشیان در اطراف پیرانشهر به شهادت رسید.

 	شهید علی قمی کردی
	

علی قمی کردی در سال ۱۳۲۹ در شهر قم و در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. در جریان انقلاب اسلامی هنگام تظاهرات از ناحیه پا به شدت مجروح شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت سپاه درآمد و به منطقه اوراامانات اعزام شد و مدتی در مناطق کردنشین خدمت کرد. بعد از تشکیل تیپ ویژه شهدا به فرماندهی یکی از گردان‌های آن منصوب و پس از مدتی جانشین فرمانده آن تیپ شد. علی قمی در عملیات‌های متعدد از جمله آزادسازی جاده‌های مه‌باد – سردشت، مه‌باد – پیرانشهر و پیرانشهر – سردشت و عملیات‌های قائم، قدر، نصر، سد بوکان و ده‌ها عملیات دیگر شرکت داشت. وی در ۱۲/۴/۱۳۶۳ هنگام درگیری با گروه‌های ضدانقلاب در شمال مه‌باد به شهادت رسید.

 	آغاز بحران در مه‌باد
	

یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی اولین شایعه استقلال‌طلبی در مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی مطرح شد. بلافاصله دو هیئت به طور هم‌زمان یکی از طرف امام خمینی به ریاست دکتر محمد مکرزی و دیگری از سوی دولت موقت به ریاست داریوش فروهر به منطقه اعزام شدند. این دو هیئت از ۳۰ بهمن تا ۲ اسفند ۱۳۵۷ از شهرهای مه‌باد، پیرانشهر و نقده بازدید کردند و پیام امام خمینی را به اطلاع مردم و منتقدین مذهبی و سیاسی منطقه رساندند تا مانع از بروز آشوب و بحران در مناطق کردنشین شوند. عزالدین حسینی، عبدالرحمن قاسملو و غنی بلوریان در ملاقات با داریوش فروهر شایعه تجزیه‌طلبی کردها را رد کردند؛ ولی قطع‌نامه‌ای را در هشت ماده به عنوان درخواست مردم گرد ارائه کردند که در آن از دولت خواسته شده بود مناطق کردنشین ایران در قالب یک فدراسیون اداره شوند و پادگان‌های مستقر در آن نیز زیر نظر یک شورای انقلابی محلی قرار گیرند.

مفاد این قطع‌نامه علاوه بر آنکه صحت شایعه تجزیه‌طلبی آنها را تأیید می‌کرد، بیان‌گر آن بود که گروه‌های ضدانقلاب کرد و برخی افراد محلی در صدد هستند در اوضاع آشفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به جای تعقیب اهداف و آرمان‌های اسلامی و ملی، تعیین نظام جدید و تصویب قانون اساسی، با تحریک احساسات مردم کرد در جهت خواست قدرت‌های خارجی و تضعیف دولت مرکزی ایران حرکت نمایند.

 	نمایی از شهر مه‌باد
	

 	اولین پاکسازی
	

یگان‌های ارتش و سپاه که در روزهای پایانی مرداد ۱۳۵۸ با فرمان امام خمینی بحران پاوه را مهار کرده بودند، در شهریور ۱۳۵۸ از ارومیه و میاندوآب عازم مه‌باد شدند. شورشیان با سلاح‌ها و تجهیزات به غارت رفته از پادگان‌های مه‌باد و سردشت، روی منازل مردم سنگرپندی کرده بودند تا مه‌باد را به هر نحو ممکن در کنترل خود نگه‌دارند.

در ۱۱ شهریور اردوگاه واحد اعزامی از مراغه در بردره‌شان – واقع در جادهٔ میاندوآب به مه‌باد – شبانه هدف گوله‌های توپ و خمپاره ضدانقلاب قرار گرفت؛ اما شیخخون مهاجمین سرکوب شد. روز بعد نیروهای ارتش و سپاه به آستانه شهر مه‌باد رسیدند. آنها ابتدا ارتفاعات اطراف شهر را تصرف کردند؛ سپس یک واحد از نیروهای سپاه با عملیات هلی‌برن در محوطه ساختمان دانشسرای مه‌باد پیاده شدند و آن را در اختیار گرفتند. در ساعت ۱۵ همان روز نیروهای ارتش با موفقیت وارد شهر شدند. نیروهای سپاه و ارتش در کمتر از یک روز بر شهر مسلط شدند و شورشیان به کوه‌ها و روستاهای اطراف فرار کردند. نیروهای ارتش پس از تسلط بر شهر به سمت پادگان غارت شده تیپ ۳ مه‌باد حرکت کردند. اشرار و شورشیان نقاطی از محوطه پادگان و ساختمان‌های آن را مین‌گذاری و تله‌گذاری کرده و برخی از ساختمان‌ها و تجهیزات آن را نیز به آتش کشیدند و سپس متواری شدند.



 	اشغال پادگان مه‌باد
	

در ۲۹/۱۱/۱۳۵۷ عده‌ای از پرسنل تیپ ۲ مه‌باد که طرف‌دار گروه‌های ضدانقلاب بودند این تیپ شورش کردند و با خلع سلاح فرماندهان و پرسنل تیپ کنترل پادگان را به طور کامل در دست گرفتند.

این اقدام مورد اعتراض داریوش فروهر – نماینده دولت که در منطقه حضور داشت – قرار گرفت. عزالدین حسینی و عبدالرحمن قاسملو پاسخ دادند که این اقدام، ادامه حرکت انقلاب است و افراد انقلابی حاضر در پادگان علیه فرماندهان و مسئولان طاغوتی و وابسته به رژیم گذشته شورش کرده‌اند و ما دخالتی در این کار نداشته‌ایم. این ادعا در حالی مطرح می‌شد که یک هفته از پیروزی انقلاب گذشته بود و ارتش به انقلاب پیوسته بود. نیروهای ضدانقلاب ۱۳ دستگاه تانک، چندین قبضه توپ، ده‌ها قبضه خمپاره‌انداز، تیربار، آرپی‌جی‌۷ و اسلحه‌های سبک را به همراه مهمات آنها از پادگان خارج کردند تا از آنها در درگیری با نیروهای نظامی و انتظامی استفاده کنند.

 	تداوم شرارات
	

گروه‌های ضدانقلاب بعد از اشغال و غارت پادگان، کنترل شهر مه‌باد را در اختیار گرفتند. آنها تلاش کردند همه افراد شاغل در ادارات و مؤسسات دولتی را تحت سلطه خود بگیرند و با شعار بومی‌گرایی مانع از حضور مسئولان تعیین شده از سوی دولت در محل کار خود شوند. آنها ۱۰ نفر از کارکنان جهاد سازندگی را نیز دستگیر و روانه زندان کردند. سپس افراد حزب دموکرات در ۲/۳/۱۳۵۸ ساختمان صدا و سیما ی مه‌باد را به تصرف خود درآوردند که موجب اعتراض کارکنان آن شد و دست از کار کشیدند. شورشیان، کارکنان صدا و سیما را تهدید کردند چنانچه ظرف ۲۴ ساعت دستگاه‌ها را راه‌اندازی نکند تمامی آنها را اعدام خواهند کرد.

در همان روز‌ها گروه‌های ضدانقلاب ۲۰۰ نفر از نیروهای سپاه در مه‌باد را محاصره و آنها را خلع سلاح کرده و یا به خروج از شهر مجبور کردند. حزب دمکرات در توطئه‌ای دیگر تمامی ذخیره سوخت مه‌باد را خریداری و به بیرون از شهر منتقل کرد تا شهر و زندگی مردم را دچار بحران کند. این حوادث که امنیت مه‌باد را متزلزل کرده بود و به نارضایتی مردم دامن می‌زد، موجب شد تا نیروهای نظامی و انتظامی با اجرای عملیاتی در ۱۲/۶/۱۳۵۸ شورشیان را سرکوب کنند و نظم و امنیت را دوباره به مه‌باد بازگردانند.

 	توطئه برای خروج سپاه
	

نیروهای سپاه بعد از اولین پاکسازی مه‌باد در شهر مستقر شدند تا با کمک شهرنایی امنیت را برقرار نمایند. گروه‌های ضدانقلاب که حضور سپاه را مانع از دست‌یابی به اهداف خود می‌دانستند، با تجمع در نقاط مختلف شهر و راه‌پیمایی بر خروج نیروهای سپاه از مه‌باد پافشاری می‌کردند. علاوه بر آن اقدامات دیگری انجام دادند از جمله:
■ با تشکیل تیم‌های ترور، پاسداران را ترور کرده و یا شبانه به محل استقرار نیروهای سپاه حمله می‌کردند.
■ در ۲۰/۶/۱۳۵۸ با حمله به پایگاه سپاه در باشگاه افسران مه‌باد دو پاسدار را به شهادت رساندند.
■ در ۲۷/۶/۱۳۵۸ با حمله به خودروی گشت سپاه یک پاسدار را به شهادت رساندند.

- در ۲۱/۶/۱۳۵۸ با پرتاب نارنجک به طرف نیروهای گشتی سپاه پنج نفر از مردم را مجروح کردند.
- در ۴/۷/۱۳۵۸ با پرتاب نارنجک به طرف خودروی گشت سپاه ۲۹ نفر از مردم را مجروح و یک نفر را به شهادت رساندند. همچنین در حمله به پایگاه سپاه دو نفر از مهاجمین کشته و ۵۰ نفر از آنها دستگیر شدند.
- در ۲۰/۷/۱۳۵۸ به پایگاه و نیروهای سپاه حمله کردند که تلفاتی در بر نداشت.
- در ۲۱/۷/۱۳۵۸ با حمله به پایگاه سپاه یک پاسدار را شهید کردند. در مسیر واحد گشتی سپاه نیز کمین کردند که چهار نفر از مهاجمین کشته شدند.

- در ۲۸/۷/۱۳۵۸ به خودروی سپاه حمله کردند که باعث مجروح شدن هفت پاسدار و کشته شدن سه ضدانقلاب شد.
- تلفات گروه‌های ضدانقلاب در این حملات کمتر از تلفات سپاه و مردم نبود و پاسداران در برابر فشار آنها مقاومت می‌کردند. گروه‌ها که از این راه به نتیجه نرسیدند، کوشیدند از طریق مذاکره هدف‌های خود را دنبال کنند. آنها در جلسه با هیئت حسن نیت در ۳۰/۱۰/۱۳۵۸ در مه‌باد، بر خروج پاسداران از شهر پافشاری کردند. هیئت اعزامی مشروط بر آنکه شورشیان به صورت مسلحانه در شهر تردد نکنند، در خواست آنها موافقت کرد. بعد از این توافق نیروهای سپاه آماده خروج از شهر شدند، اما شورشیان به شرط خود عمل نکردند و سپاه نیز شهر را ترک نکرد.

 	درگیری گروه‌ها با یکدیگر
	

در سال ۱۳۵۹ رقابت گروه‌ها با یکدیگر به اندازه‌ای افزایش یافت که به درگیری بین آنها منجر شد. در مراسمی که چریک‌های فدایی خلق در ۲۱/۴/۱۳۵۹ در میدان قاضی محمد برگزار کردند، دو بمب منفجر شد که شش کشته و ۱۲ زخمی بر جای گذاشت. همچنین در ۱۸/۵/۱۳۵۹ چند درگیری دیگر بین گروه‌ها اتفاق افتاد. در حادثه اول دو گروه کومه‌له و حزب دمکرات در اطراف مه‌باد با یکدیگر درگیری شدند که چهار نفر از طرفین به هلاکت رسیدند. در حادثه دیگری ۱۷ نفر از افراد کومه‌له در بیرون از شهر – سمت سردشت – به دست افراد حزب دمکرات خلع سلاح شدند. در حادثه سوم بمبی در مقر کومه‌له در مه‌باد منفجر شد که چند نفر زخمی شدند و شیشه‌های ساختمان‌ها شکست. در اقدام دیگری عده‌ای از اعضا و هواداران گروه‌ها به دفتر حزب توده در مه‌باد حمله کردند و اثاثیه و امکانات داخل ساختمان را به غارت بردند. این حوادث پی در پی سبب شد عده زیادی از مردم برای دست‌یابی به آرامش و امنیت از مه‌باد خارج و در روستاها و شهرهای اطراف ساکن شوند.

 	چریک فدایی خلق
	

